

**دور کتاب** در بیح الابرار که تا، لطف صاحب کتایست  
 فی الحقیقت ان جبرئیل علیه السلام ذکر مدینه بقال لبا فاجره  
 و مرنا فاستبجنا فاحال لرسول الله صلی الله علیه و آله  
 لم سمیت فاجره قال لاننا تخیر یوم العیاشه علی الملائکة کلهم  
 الشهداء فاحتم قال اللهم بارک فی فاجره و سائرنا و طهرنا و اقم  
 للتقوی و جماعهم رحمنا علی انبی فذلک لیس جدار علی العیاشه  
**دور کتاب** تا، صیحه همان کنوی آورد و است که بخارا  
 از بلاد سمرقندتیه الاسلام است و در میان آن نوحی  
 بنیادتیه مدینه الاسلام سواد آن بیاض نوزدهما و غیره  
 و اطراف آن لطیف معالی هر است و از قدیم در بر  
 قرنی بخارا جمع علمای دین آن روزگار بود و است و  
 اشفاق بخارا از حج ابر است که ملبت منان جمع علم  
 باشت و این لفظ در لغت پرستان العور و خطای  
 نزدیک است که معابد ایشان که موضع کعبان است بخارا  
 گویند و در اصل نام شهر ملبت بوده است **دور کتاب**

**دور کتاب** اجبار بخارا که تا، لطف ابو بکر محمد بن محمد بن  
 رحمانه که در زمان ابو محمد نوح بن نصر سنان بود و است و  
 آن تا، لطف در کتب سبج و نیشین و عثمان بود و است و  
 مود و است که حسن همی رضی الله عنه فرمود و است که ابوبکر  
 علیه السلام به بخارا رسید و اهل بخارا او را مهاذ میگویند  
 در حق ایشان دعای برکت فرمود و هب بن مینه رضی الله  
 عنه فرمود و است که پسر از بنفیل بنی اسرائیل علیه السلام از حضرت  
 عزت جل ذکره اجازت طلبید بسیار وی را بن حق سبحانه  
 او را اجازت داد و در او ان سبب چون رسیدند  
 حنت او از آب که شست بخارا رسید اهل بخارا او را  
 اعزاز و اکرام کردند و مهاذ او را چنانکه چون است رعایت  
 کردند و ایشان در حق اهل بخارا دعا فرمودند که اللهم  
 بارک لهم فی اهلهم و ارضهم علی عدوهم و باعد الفتنه عنهم  
 محمد بن مبارک منقول است که فرمودند از اجازت